

ما از عدالت سهمی داریم  
سازمان حقوق بشر ایران

سال نهم شماره ۱۲۵

۲۵/بان ۱۳۹۹ / ۱۵ نوامبر ۲۰۲۰

حقوق ما

جامعه ال جی بی تی





## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: شهرزاد کریمی، بهنام دارایی‌زاده، سروناز رستگار، مژگان غفاری شیروان، نیره انصاری نویسنده میهمان: شش‌رنگ

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

جنبش‌های اجتماعی در مسیر حقوق انسانی برابر و  
محو تبعیض‌ها

قوانین دین‌پایه و حقوق اقلیت‌های جنسی و جنسیتی

قوانین ایران و حقوق جامعه ال‌جی‌بی‌تی

جامعه ال‌جی‌بی‌تی در ایران، خسته از روابط مخفیانه

گرایش جنسی و هویت جنسیتی در قوانین  
بین‌المللی حقوق بشر

ده فراز از ده سال زندگی و فعالیت با شش‌رنگ

## جنبش‌های اجتماعی در مسیر حقوق انسانی برابر و محو تبعیض‌ها



مژگان غفاری شیروان

بیشتر تاریخ‌نگاران بر این باورند که در هر فرهنگ مستندی، شواهدی از روابط همجنس‌گرایانه و عشق به همجنس وجود دارد، خواه چنان روابطی در آن فرهنگ مقبول باشد و خواه با پیگرد قانونی همراه باشد. (موریس، تاریخ جنبش‌های اجتماعی ال‌جی‌بی‌تی)

اختلاف در گرایش‌های جنسی انسانی موضوعی انکارناپذیر است و در هر دورانی چه افراد دگرجنس‌گرا و مقام‌های قانونی بپذیرند و چه موضوع را انکار کنند، افراد با گرایش‌های جنسی متفاوت (LGBTQ) همیشه در جوامع وجود داشته‌اند و در میان دیگر مردم جامعه زندگی می‌کرده‌اند. اما از آن‌جا که دست‌کم براساس تعریف‌های رسمی و قانونی در جوامع مختلف اکثریت با دگرجنس‌گرایان بوده است، افراد با گرایش‌های متفاوت اغلب برای دستیابی به جایگاه برابر با آن‌ها و حقوق اساسی انسانی خود، به‌اجبار مسیری طولانی و سخت را طی کرده‌اند؛ اما هنوز هم نمی‌توان گفت در سراسر دنیا به حقوق اساسی انسانی خود دست یافته‌اند و این راه همچنان ادامه دارد.

در این یادداشت نگاهی مختصر می‌اندازیم به مسیری که جنبش‌های اجتماعی حقوق افراد با گرایش‌های جنسی متفاوت به‌ویژه در کشورهای غربی طی کرده‌اند، به‌سوی دستیابی به حقوق انسانی برابر و حذف قوانین تبعیض‌آمیز در حوزه‌های مختلف زندگی.

**قوانین مربوط به همجنس‌گرایی پیش از قرن بیستم**  
در طول تاریخ، ادیان و مذاهب مختلف اغلب رابطه جنسی افراد همجنس (به‌ویژه در مورد مردان) را تقبیح کرده و بر چنین رفتاری انگ زده‌اند، اما بیشتر نظام‌های قانونی اروپا تا سال‌ها در زمینه موضوع گرایش‌های جنسی غیردگرجنس‌گرایانه سکوت اختیار کرده بودند.

این درحالی بود که سیستم‌های قضایی کشورهای با جمعیت عمدتاً مسلمان همواره برای طیف گسترده‌ای از مسائل به قانون اسلامی (شریعت) استناد کرده‌اند و در آن کشورها بسیاری از رفتارهای جنسی و حتی شبه‌جنسی مانند صمیمیت دو همجنس جرم‌انگاری و در موارد بسیاری با مجازات‌های سنگین مانند اعدام روبه‌رو شده‌اند.

در بریتانیا، قانون‌گذاران از قرن شانزدهم میلادی رفتارهای همجنس‌گرایانه را رده‌ی موارد صرفاً اخلاقی خارج کردند و در دسته‌ی اعمال جنایتکارانه (جرم) قرار دادند. در دهه‌ی ۱۵۳۰، هم‌زمان با سلطنت هنری هشتم، نخستین قانون ضد‌همجنس‌گرایی با عنوان Buggery Act در انگلستان تصویب شد که رابطه‌ی جنسی میان مردان را یک جرم کیفری با مجازات اعدام می‌دانست. در بریتانیا همجنس‌گرایی تا سال ۱۸۶۱ همچنان جرمی با مجازات اعدام محسوب می‌شد که مرتکب آن به دار آویخته می‌شد. دو دهه بعد، در سال ۱۸۸۵ میلادی، پارلمان متممی را بر این قانون تصویب کرد که با حمایت هنری لایوشر مطرح شده بود. قانون جدید جرمی با عنوان gross indecency را به روابط جنسی مردان با همجنس نسبت می‌داد که باید تحت پیگرد قانونی قرار می‌گرفت (روابط جنسی زنان همجنس‌گرا مشمول این قانون نمی‌شد، زیرا احتمالاً چنان روابطی برای قانون‌گذاران مرد قابل تصور نبود).

به همین ترتیب، در آلمان نیز در اوایل دهه‌ی ۱۸۷۰، زمانی که با تلفیق قوانین مدنی پادشاهی‌های مختلف، قانون نهایی مجازات کشور تنظیم می‌شد، بند ۱۷۵ آن به این صورت تصویب شد که برای روابط همجنس‌گرایانه مردان مجازات‌هایی از جمله زندان و از دست دادن حقوق شهروندی در نظر گرفته بود.

**آغاز جنبش‌های مدنی حامی حقوق همجنس‌گرایان**  
پیش از پایان قرن نوزدهم تقریباً «جنبشی» برای حقوق همجنس‌گرایان وجود نداشت. همان‌طور که لرد آلفرد داگلاس، معشوق اسکار وایلد، شاعر و نویسنده‌ی همجنس‌گرای ایرلندی، در سال ۱۸۹۰ در شعر «دو عشق» نوشت: «من [همجنس‌گرایی] عشقی‌ام که جرات ندارم نام خود را بر زبان بیاورم.»

در سال ۱۸۹۷ با تأسیس کمیته‌ی علمی-بشرودستانه (Wissenschaftlich-humanitäres Komitee; WhK) در برلین، مردان و زنان همجنس‌گرا صدایی پیدا کردند. نخستین فعالیت آن‌ها ارائه‌ی دادخواستی برای لغو بند ۱۷۵ قانون مجازات شاهنشاهی بود که در سال‌های ۱۸۹۸، ۱۹۲۲ و ۱۹۲۵ ارائه شد. فعالیت‌های این کمیته شامل انتشار ادبیات رستگاری، برگزاری تجمع‌ها و مبارزه

برای اصلاح قانون در سراسر آلمان و همچنین هلند و اتریش بود و تا سال ۱۹۲۲ حدود ۲۵ شعبه‌ی محلی دایر کرده بود.

بنیان‌گذار این کمیته ماگنوس هیرشفلد، سکسولوژیستی بود که در سال ۱۹۱۹ «مؤسسه‌ی علوم جنسی» (Institut für Sexualwissenschaft) را تأسیس کرد که از دیگر مراکز علمی تخصصی همچون «مؤسسه‌ی پژوهش‌های جنسی، جنسیتی و تولیدمثل کینزی» در آمریکا، در حوزه‌ی پژوهش‌های جنسی چندین دهه جلوتر بود. او همچنین به سازماندهی «مجمع جهانی اصلاحات جنسی» (World League of Sexual Reform) کمک کرد. این مجمع در سال ۱۹۲۸ در نشست‌ی در کپنهاگ اعلام موجودیت کرد.

با وجود بند ۱۷۵ قانون مجازات و ناکام ماندن «کمیته‌ی علمی-بشرودستانه» در لغو آن، در آلمان، به‌ویژه در دوران جمهوری وایمار، از پایان جنگ جهانی اول تا به‌قدرت رسیدن نازی‌ها، مردان و زنان همجنس‌گرا تا اندازه‌ای آزادی داشتند. در بسیاری از شهرهای بزرگ آلمان زندگی شبانه‌ی همجنس‌گرایان تحمل می‌شد و تعداد مطالب منتشرشده در این حوزه افزایش پیدا کرده بود.

در واقع، به نقل از بعضی تاریخ‌نگاران، تعداد نشریات و میکده‌های پاتوق همجنس‌گرایان در برلین دهه‌ی ۱۹۲۰ بیشتر از شش‌دهه بعد از آن در شهر نیویورک بود.

به‌قدرت رسیدن آدولف هیتلر به این دوره‌ی آزادی نسبی خاتمه داد. او دستور اجرای مجدد بند ۱۷۵ قانون مجازات را صادر کرد و در ششم ماه مه سال ۱۹۳۳ گروهی از دانشجویان ورزشکار به بایگانی‌های هیرشفلد حمله‌ور شدند و وسایل و مدارک مؤسسه را در یک میدان عمومی به آتش کشیدند.

در این دوره، سازمان‌های دیگری نیز در خارج از آلمان ایجاد شده بود. به‌عنوان نمونه، در سال ۱۹۱۴، ادوارد کارپنتر و هاوولاک ایس، «انجمن بریتانیایی مطالعات روانشناسی جنسی» (British Society for the Study of Sex Psychology) را با هدف تبلیغات و آموزش بنیان گذاشتند؛ در ایالات متحده آمریکا هم در سال ۱۹۲۴، هنری گربر که مهاجری آلمانی بود، «انجمن حقوق بشر» را تأسیس کرد.

گرفته شد. از آن زمان تاکنون هر سال به گرامی‌داشت یاد ماجرای «استون‌وال» افراد با گرایش‌های متفاوت جنسی (LGBTQ)) در ماه ژوئن رژه‌ی افتخار (Pride) برگزار می‌کنند. رژه‌ی افتخار در شهرهای مختلف آمریکا و همچنین در کشورهای دیگر برگزار می‌شود و در بعضی کشورها در زمان دیگری از سال برگزار می‌شود.

شاید یک نقطه‌ی عطف دیگر هم در این سال‌ها به قدرت گرفتن جنبش‌های حقوق همجنس‌گرایان و افراد با گرایش‌های جنسی متفاوت کمک کرد. در سال ۱۹۷۳، انجمن روان‌پزشکی آمریکا با توجه به مستندات علمی، همجنس‌گرایی را که پیش‌تر (سال ۱۹۵۲) در رده‌ی اختلال‌های روانی قرار داده بود، از «راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی» خارج کرد و انجمن روان‌شناسی آمریکا هم در سال ۱۹۷۵ این موضع را تایید کرد.

در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۸۰ میلادی بر تعداد سازمان‌های سیاسی مرتبط با حقوق همجنس‌گرایان به‌ویژه در آمریکا و اروپا افزوده شد و این‌گونه انجمن‌ها و سازمان‌ها در سایر نقاط دنیا نیز سربرآوردند، هرچند که موفقیت، قدرت و اندازه‌ی نسبی آن‌ها و همچنین میزان رواداری مقام‌ها در مورد آن‌ها به‌اندازه‌ی قابل‌توجهی متفاوت بود. گروه‌هایی همچون «کمپین حقوق بشر» (Human Rights Campaign)، «گروه ضربت ملی گی و لزبین» (National Gay and Lesbian Task Force) که بعدتر در سال ۲۰۱۴ به «گروه ضربت ملی ال‌جی‌بی‌تی‌کیو» تغییر نام داد و گروه «اکت‌آپ» (AIDS Coalition to Unleash Power/ ACT UP) در آمریکا و «استون‌وال» و «خشم!» (Outrage!) در بریتانیا و ده‌ها سازمان مشابه در اروپا و سایر نقاط جهان شکل گرفته بودند. این سازمان‌ها فعالیت برای اصلاحات اجتماعی و قانونی را آغاز کردند. علاوه بر این، سازمانی فراملی به نام «سازمان بین‌المللی همجنس‌گرایان» (International Gay Association) نیز در سال ۱۹۷۸ در یک نشست حاشیه‌ای کنفرانس «کارزار برای برابری همجنس‌گرایان» (Campaign for Homosexual Equality) در شهر کاونتری انگلستان اعلام موجودیت کرد.

دفتر مرکزی «سازمان بین‌المللی همجنس‌گرایان»



سال جرم‌زدایی کند (قوانین بعدی سن رضایتمندی را ابتدا در سال ۱۹۹۴ به ۱۸ سال و سپس در سال ۲۰۰۱ به ۱۶ سال کاهش دادند تا در نهایت سن رضایتمندی در رابطه‌ی جنسی میان دو همجنس، با سن تعیین شده برای افراد جنس مخالف یکسان‌سازی شد).

موفقیت‌های جنبش حقوق همجنس‌گرایان در زمینه‌ی اصلاح قوانین به‌ویژه در اروپای غربی آغاز شده بود، اما شاید بتوان گفت تنها رویداد بزرگ تعیین‌کننده در حوزه‌ی حقوق همجنس‌گرایان در ایالات متحده‌ی آمریکا اتفاق افتاد.

در ساعت‌های آغازین بامداد ۲۸ ژوئن ۱۹۶۸، پلیس به میخانه‌ی «استون‌وال این» (Stonewall Inn)، یک پاتوق همجنس‌گرایان و افراد تراجنسی در محله‌ی «گرینیچ ویلج» شهر نیویورک، یورش برد. اما حمله‌ی پلیس با ایستادگی روبه‌رو شد و این ایستادگی به شورش تبدیل شد که حدود ۴۰۰ نفر به آن پیوستند، نزدیک به ۴۵ دقیقه ادامه پیدا کرد و در شب‌های پس از آن نیز از سر

با وجود تشکیل چنین گروه‌هایی، فعالیت‌های سیاسی که همجنس‌گرایان در آن نقش داشته باشند، چندان قابل مشاهده نبود. در واقع، همجنس‌گرایان در هر جایی که اجتماع می‌کردند، اغلب مورد آزار و اذیت پلیس قرار می‌گرفتند.

جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن موجب آغاز تغییر در وضعیت شد. جنگ بسیاری از جوانان را به شهرها آورده بود و جامعه‌ی همجنس‌گرایان را در معرض دید قرار داد. این دیده‌شدن بیشتر در ایالات متحده آمریکا، به‌ویژه از سوی دولت و پلیس، با واکنش‌های شدیدی روبه‌رو شد؛ کارمندان دولت اگر همجنس‌گرایی‌شان مشخص می‌شد، اغلب اخراج می‌شدند؛ ارتش نیز تلاش می‌کرد تا براساس سیاستی که در دوره‌ی جنگ جهانی دوم وضع شده بود، صفوف خود را از سربازان همجنس‌گرا پاکسازی کند؛ واحدهای مبارزه با مفاسد اخلاقی پلیس (vice squads) هم به‌طور مداوم به میکده‌های پاتوق همجنس‌گرایان یورش می‌بردند و مشتری‌هایشان را دستگیر می‌کردند. با این حال، هم‌زمان فعالیت سیاسی گسترده‌تری نیز با هدف جرم‌زدایی از همجنس‌گرایی در مقیاس گسترده در جریان بود.

سان‌فرانسیسکو نخستین گروه پیشروی زنانه در این حوزه را با نام «دختران بلای‌تیس» (Daughters of Bilitis) تشکیل دادند. نام این گروه از روی مجموعه اشعار عاشقانه‌ی شهوانی پیر لویی‌س فرانسوی به نام «ترانه‌های بلای‌تیس» (Chansons de Bilitis) انتخاب شده بود.

علاوه بر این، یک نشریه‌ی ملی ویژه‌ی همجنس‌گرایان به نام «یک» (One) منتشر می‌شد که با حکم دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۵۸ ارسال آن به مشترکان از طریق خدمات پستی امکان‌پذیر شده بود.

در بریتانیا، کمیسیونی به ریاست سر جان ولفندن در سال ۱۹۵۷ گزارش پیشگامانه‌ای را منتشر کرد که با عنوان Wolfenden Report خوانده می‌شود؛ این گزارش توصیه می‌کرد رابطه خصوصی همجنس‌گرایان میان افراد بالغی که با رضایت خود به آن اقدام می‌کنند، از حوزه‌ی قانون کیفری خارج شود؛ اما یک دهه طول کشید تا پارلمان بریتانیا با به‌کار گرفتن این توصیه در قانون جرایم جنسی، به‌طور عملی از روابط همجنس‌گرایانه‌ی مردان بالای ۲۱

جانبش‌های حقوق همجنس‌گرایان از میانه‌ی قرن بیستم

از میانه‌ی قرن بیستم تعداد فزاینده‌ای از سازمان‌های مرتبط با حقوق همجنس‌گرایان شکل گرفتند. «مرکز فرهنگ و تفریحات» (Cultuur en Ontspannings) در آمستردام تأسیس شد. در ایالات متحده‌ی آمریکا اولین سازمان بزرگ مردانه را هری هی در سال‌های ۵۱-۱۹۵۰ در لس‌آنجلس ایجاد کرد. نام آن «انجمن مت‌شین» (Mattachine Society) بود که گفته می‌شود از روی نام یک انجمن فرانسوی قرون وسطایی با بازیگران نقاب‌دار به نام Société Mattachine انتخاب شده است، تا «نقاب‌زدن» بر همجنس‌گرایی در فضای عمومی را نشان بدهد.

دل‌مارتین و فیلیس لاین هم در سال ۱۹۵۵

در سال‌های ۵۱-۱۹۵۰ در لس‌آنجلس ایجاد کرد. نام آن «انجمن مت‌شین» (Mattachine Society) بود که گفته می‌شود از روی نام یک انجمن فرانسوی قرون وسطایی با بازیگران نقاب‌دار به نام Société Mattachine انتخاب شده است، تا «نقاب‌زدن» بر همجنس‌گرایی در فضای عمومی را نشان بدهد.

در سال‌های ۵۱-۱۹۵۰ در لس‌آنجلس ایجاد کرد. نام آن «انجمن مت‌شین» (Mattachine Society) بود که گفته می‌شود از روی نام یک انجمن فرانسوی قرون وسطایی با بازیگران نقاب‌دار به نام Société Mattachine انتخاب شده است، تا «نقاب‌زدن» بر همجنس‌گرایی در فضای عمومی را نشان بدهد.

دل‌مارتین و فیلیس لاین هم در سال ۱۹۵۵



یا «ایلگا» که در حال حاضر به «سازمان بین‌المللی همجنس‌گرایی، دوجنس‌گرایی، تراجنسی و دوجنسی» تغییر نام داده، در ژنو سوییس است و در هماهنگی تلاش‌های بین‌المللی برای ارتقای وضعیت حقوق بشر و مقابله با اعمال تبعیض علیه افراد گی، لزبین، دوجنس‌گرا، تراجنسی و دوجنسی نقش بسزایی دارد.

در ایالات متحده آمریکا فعالان این حوزه در سال ۱۹۸۰ حمایت حزب دموکرات را به دست آوردند و این حزب به بند مقابله با تبعیض در مجموعه اصول کلی و سیاست‌های خود، بخشی شامل گرایش جنسی افزود. این حمایت در کنار کارزار فعالانی که مردان و زنان با گرایش‌های جنسی متفاوت را به «بیرون آمدن از کمد» (come out of the closet) تشویق می‌کرد، آن‌ها را به ورود به صحنه سیاسی به‌عنوان نامزد انتخابات ترغیب کرد.

در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ روزی به‌عنوان روز ملی «برون‌آبی» نام‌گذاری شد که در حال حاضر هر سال یازدهم ماه اکتبر، این روز گرامی داشته می‌شود.

اما نخستین مقام‌های دولتی آشکارا همجنس‌گرا در آمریکا جری دیگریک و نانسی وچلر در ان آربر میشیگان بودند؛ آن‌ها هر دو در سال ۱۹۷۲ به‌عنوان اعضای شورای شهر انتخاب شدند و هم‌زمان با عضویت در آن شورا، همجنس‌گرایی خود را علنی کردند. در دوره‌ی بعدی انتخابات شورای این شهر، کتی کوزاچنکو که در سال ۱۹۷۴ همجنس‌گرایی خود را علنی کرده بود، جایگزین وچلر شد. به این ترتیب، او نخستین فرد آشکارا همجنس‌گرا بود که پس از اعلام علنی این موضوع، در انتخابات پیروز شده بود.

در سال‌های پس از آن در کشورهای دیگر نیز سیاست‌مدارانی که همجنس‌گرایی خود را پیشاپیش علنی کرده بودند، برای قرار گرفتن در جایگاه‌های رسمی سیاسی انتخاب شدند. در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی تعداد سیاستمداران محلی و ملی که به‌طور علنی همجنس‌گرا بودند، کم‌کم در کشورهای مختلف دنیا افزایش یافت و در سال ۲۰۰۹ یوهانا سیگورداردوتیر (Jóhanna Sigurðardóttir) نخستین زن آشکارا همجنس‌گرا بود که در جهان به جایگاه رهبری یک کشور رسید و نخست‌وزیر ایسلند شد. پس از او ایلو دی‌روپو



(Elio Di Rupo)، نخستین مرد آشکارا همجنس‌گرا به چنان جایگاهی رسید و در سال ۲۰۱۱ نخست‌وزیر بلژیک شد.

اما در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین سیاستمدارانی که همجنس‌گرایی خود را علنی کرده باشند، در دستیابی به مقام‌های سیاسی موفقیت‌های محدودی داشته‌اند. مهم‌ترین همجنس‌گرایان منتخب برای حضور در مجالس قانون‌گذاری ملی در این مناطق عبارت بودند از: پاتریا خیمنز فلورس (Patria Jimé nez Flores) در مکزیک (۱۹۹۷)، مایک واترز در آفریقای جنوبی (۱۹۹۹) و کلودوویل هرناندز (Clodovil Hernandez) در برزیل (۲۰۰۶).

از دهه‌ی ۱۹۷۰، موضوع‌هایی که گروه‌های حامی حقوق همجنس‌گرایان بر آن‌ها تاکید کرده‌اند، برحسب زمان و مکان متفاوت بوده و سازمان‌های ملی متفاوتی

را بنیان نهاده‌اند که سیاست‌های متناسب با محیط کشورشان را تبلیغ می‌کند. به‌عنوان مثال، درحالی‌که در بعضی کشورها، به‌ویژه در اسکانداوی، هرگز قانون ضد همجنس‌گرایی وجود نداشته یا به‌نسبت زودتر لغو شده است، در کشورهای دیگر وضعیت پیچیده‌تر بود. مثلاً مقابله با قوانین ضد همجنس‌گرایی در آمریکا باید ابتدا در سطح ایالت‌ها شروع می‌شد و بعد به سطح فدرال می‌رسید. در کشورهای مسلمان از جمله ایران هم که دیگر وضعیت خیلی پیچیده است و هنوز قوانین ضد همجنس‌گرایی در بسیاری از آن‌ها با قوت تمام پابرجاست.

از دیگر مسائل اساسی در جنبش حقوق LGBTQ که از دهه ۱۹۷۰ مطرح بوده است، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- مبارزه با همه‌گیری اچ‌آی‌وی / ایدز و

آگاهی‌بخشی برای پیشگیری از این بیماری و تهیه‌ی بودجه برای پژوهش در مورد بیماری؛

- تلاش برای تاثیرگذاری بر دولت‌ها برای اعمال سیاست‌های بدون تبعیض در زمینه اشتغال، مسکن و دیگر زمینه‌های جامعه‌ی مدنی؛

- پایان دادن به ممنوعیت به‌کارگیری افراد جامعه‌ی LGBTQ در ارتش؛

- گسترش قوانین جرایم مربوط به نفرت‌پراکنی به‌منظور حمایت از افراد این جامعه؛ و

- تأمین حقوق ازدواج برای زوج‌های همجنس.

باراک اوباما، رئیس‌جمهوری ایالات متحده‌ی آمریکا، با امضای قانونی در سال ۲۰۱۵، سیاست «نپرس، نگو»<sup>۱</sup>ی ارتش آن کشور را لغو کرد. این سیاست که مصوب سال ۱۹۹۳ بود، به افراد همجنس‌گرا یا دوجنس‌گرا اجازه می‌داد در صورت علنی‌نکردن گرایش جنسی خود، در ارتش خدمت کنند. لغو این قانون در عمل به‌معنای پایان دادن به ممنوعیت خدمت این افراد در ارتش بود.

در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز دیوان عالی آمریکا حق ازدواج زوج‌های همجنس را به رسمیت شناخت.

در سال ۲۰۲۰ دادگاهی در آمریکا حکم داد که اخراج یک کارمند به‌دلیل همجنس‌گرا یا تراجنسیتی بودن، نقض عنوان هفتم **لایحه‌ی حقوق مدنی** (مصوب ۱۹۶۴) است که تبعیض برپایه‌ی جنسیت را ممنوع می‌کند.

تاکنون در بسیاری از کشورهای اروپا و آمریکای شمالی بسیاری از تبعیض‌های قانونی علیه افراد جامعه‌ی LGBTQ کنار گذاشته شده و به حقوقی مانند حق ازدواج یا خدمت در ارتش دست یافته‌اند، اما در دیگر نقاط جهان، جنبش‌های مدنی برای دستیابی به این حقوق اساسی انسانی هنوز راه درازی در پیش دارند.

#### منابع:

Bonnie J. Morris, [History of Lesbian, Gay, Bisexual and Transgender Social Movements](#)  
Michael Levy, [Gay rights movement \(Britannica\)](#)

## قوانین دین پایه و حقوق اقلیت‌های جنسی و جنسیتی



### بهنام دارابی‌زاده

رژیم حقوقی-کیفری ایران «مذهبی» است و مشخصاً بر پایه موازین «فقه شیعه» تنظیم شده است. در همین ابتدا لازم است به این نکته اشاره شود که وقتی می‌گوییم: «رژیم حقوقی یا نظام قضایی در ایران مذهبی یا دین‌محور است»؛ این سخن به هیچ وجه به این معنا نیست که تا پیش از قدرت‌گیری نظام جمهوری اسلامی، ما با یک ساختار حقوقی-قضایی «سکولار» طرف بوده‌ایم.

برای مثال، متن «قانون مدنی ایران»، که چارچوب‌های اصلی روابط میان شهروندان در ایران را تعریف کرده است، در دوره‌ی رضاشاه و بر اساس اصول و موازین «فقهی» تدوین شده است.

قانون مدنی ایران، با تغییرات اندکی، کماکان پس از گذشت بیش از هشت دهه معتبر است و در دادگاه‌ها و سایر مراجع حکومتی به آن استناد می‌شود و به نوعی زیربنای «حقوق خانواده»، «روابط میان زنان و مردان» و «رفتارهای جنسی پذیرفته شده» در ایران شناخته می‌شود.

بنابراین، این تصور که رژیم حقوقی ایران، پس از انقلاب

۱۳۵۷ «مذهبی» یا «اسلامی» شده است؛ اساساً غلط و گمراه‌کننده است. واقعیت این است که نظام حقوقی-قضایی ایران، از پیش از انقلاب، در مسائل مهمی نظیر ازدواج، طلاق، ارث، حضانت کودکان و... مشخصاً «مذهبی» بوده و بر اساس مقررات و دستورات پُرتبعیض فقه شیعه تدوین شده است.

در چنین نظام مذهبی پُرسابقه‌ایی، نه تنها «ازدواج» یا تشکیل خانواده صرفاً میان «یک مرد» و «یک زن» ممکن است؛ بل که برای هر گونه رابطه‌ای میان افراد هم‌جنس، کیفر و مجازات قانونی مشخصی تعیین شده است.<sup>۱</sup> نخستین قانونی جزایی که در چارچوب دادگستری و نظام قضایی تازه شکل گرفته‌ی بعد از مشروطیت، در خصوص روابط افراد هم‌جنس در ایران وضع شد؛ در سال ۱۳۱۰ از سوی «کمیسیون قوانین عدلیه» مجلس تصویب شده است.

بر اساس [ماده ۲۰۷ اصلاحی سال ۱۳۱۰ کمیسیون](#)

۱. در بسیاری از کشورهای دیگر هم کماکان «ازدواج» و «فرزندآوری» تنها میان دو فرد دگر جنس‌گرا ممکن است؛ اما ساختارهای باز سیاسی و سکولار، به فعالان و کنشگران حقوقی-اجتماعی این امکان را می‌دهد که برای تغییر تعاریف مرسوم و کلاسیک از «نهاد خانواده» یا نقش‌های سنتی «پدر» و «مادر» در مجموعه‌های قوانین این کشور تلاش کنند و گفتمان‌سازی انجام شود.

**عدلیه**، مجازات روابط جنسی میان دو مرد، مشخصاً زیر عنوان «لواط»، ۱۰ سال حبس، توأم با «اعمال شاقه» تعیین شده بود.

نکته محوری این است که قانون‌گذار پهلوی هم، درست به مانند قانون‌گذار جمهوری اسلامی، به منظور توصیف روابط جنسی میان دو مرد از واژه فقهی-قرآنی «لواط» استفاده کرده است.

هرچند هیچ آمار دقیق و قابل اطمینانی از میزان پرونده‌ها یا افرادی که به اتهام روابط جنسی با هم‌جنس‌های خود در دوران حکومت پهلوی بازداشت، محاکمه یا محکوم شده‌اند در دست نیست؛ اما دو نکته را می‌توان با یقین گفت: نخست این که ضوابط کیفری حکومت پهلوی، شامل زنان هم‌جنس‌گرا یا دو‌جنس‌گرا نبوده است؛ و دیگر این که متهمان عموماً به واسطه‌ی روابط جنسی اجباری، از روی اکراه، یا «تجاوز به کودکان» تحت پی‌گردهای کیفری قرار گرفته‌اند.

### دوره جمهوری اسلامی

با قدرت‌گیری نظام جمهوری اسلامی، مسئله‌ی روابط افراد هم‌جنس، در رژیم کیفری حاکم، برجسته‌تر شد و دو رویکرد واپس‌گرایانه جداگانه اتخاذ شد؛ اول این که نظام جمهوری اسلامی، مجموعه مجازات‌ها یا مقررات جزایی خود را به زنان هم‌جنس‌گرا یا دو جنس‌گرا هم تعمیم داد و دیگر این که این میزان مجازات‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای تشدید شدند.<sup>۱</sup>

با تصویب قانون «حدود و قصاص» در سال ۱۳۶۱، مجازات زنانی که با هم‌جنسان خود رابطه جنسی برقرار می‌کردند زیر عنوان فقهی «مُساحقه»، «جرم‌انگاری» و یک‌صد ضربه شلاق برای چنین روابطی تعیین شد. مجازاتی که در مرتبه چهارم می‌توانست به «اعدام» متهمان یا زنان هم‌جنس‌گرا/دو‌جنس‌گرا بیانجامد. برابر ماده ۱۶۱ این قانون، «هرگاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد در مرتبه چهارم حد آن قتل است.»<sup>۲</sup>

۱. تا پیش از انقلاب ۱۳۵۷ هیچ مقررات مشخصی درباره‌ی زنان هم‌جنس‌گرا/دو‌جنس‌گرا در رژیم حقوقی ایران وجود نداشته است.

۲. همچنین در [ماده ۱۶۴ قانون حدود و قصاص](#)، مصوب شهریورماه سال ۱۳۶۱، آمده است: «هر گاه دو زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیری شوند و

در خصوص روابط جنسی میان مردان، قانون‌گذار جمهوری اسلامی، «اشد مجازات» را در نظر گرفت. بر پایه [ماده ۱۴۱ قانون «حدود و قصاص»](#)، مصوب سال ۱۳۶۱، مجازات مردی که با هم‌جنس خود رابطه‌ی جنسی کامل داشته باشد؛ «قتل» تعیین شد و «کیفیت نوع آن در اختیار حاکم» گذاشته شد. در این میان، خطرناک‌ترین ضابطه‌ی قانون این بود که به قاضی چنین پرونده‌ها امکان داده شد بدون وجود «شهادت»، یا بدون این که «اقرار» وجود داشته باشند؛ تنها به «علم» خود استناد و حکم صادر کند!<sup>۳</sup>

مجازات‌های فقهی مقرر در قانون «حدود و قصاص» سال ۱۳۶۱ تا سال‌ها بعد در رژیم کیفری جمهوری اسلامی باقی ماند تا در نهایت بر اساس قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ تغییر کرد؛ بر پایه قانون مجازات اسلامی جدید، اگر رابطه میان دو مرد هم‌جنس‌گرا/دو‌جنس‌گرا گزارش شود و در نهایت پرونده کیفری آن‌ها به دادگاه ارجاع شود؛ «فاعل» این رابطه اعدام نخواهد شد؛ اما آن کسی که به عنوان «مفعول» معرفی شده اعدام می‌شود.<sup>۴</sup> به باور بسیاری از کارشناسان حقوقی و کنش‌گران اجتماعی، این تفکیک آشکار میان مجازات‌های «فاعل» و «مفعول»، مشخصاً برآمده از یک ذهنیت «مردسالارانه» است که «دخول جنسی» را ابزار «سلطه» یا اعمال قدرت می‌داند و در برابر «مفعول» رابطه را فردی «حقیر» قلمداد می‌کند که به واسطه تن دادن به چنین «خفت» و «حقارتی»، شایسته مرگ و مجازاتی به مراتب شدیدتر است!

یکی دیگر از تغییراتی که بر اساس قانون مجازات اسلامی

در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم صد تازیانه زده می‌شود.»

۳. ماده ۱۵۱ قانون حدود و قصاص: «حاکم شرع می‌تواند طبق علم خود که از طریق متعارف حاصل شود، حکم کند.»

۴. ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) «حد لواط برای فاعل، در صورت عُنف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت، صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت اعدام است.»

• تبصره ۱- در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است.  
• تبصره ۲- احصان عبارت است از آن که مرد دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبَل (اندام جنسی منتسب به زنان) با همان همسر در حال بلوغ وی جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد، امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد.





سال ۱۳۹۲ اعمال شده است؛ اصلاح در مجازات‌های زنان همجنس‌گرا/دوجنس‌گرا است. بر اساس این مقررات تازه، زنان لژیبن یا دوجنس‌گرا به واسطه‌ی رابطه جنسی میان خود، دیگر با خطر «اعدام» روبه‌رو نخواهند بود.<sup>۱</sup>

### پرسش محوری

حال برگردیم بر سر پرسش اصلی این یادداشت: آیا در چارچوب رژیم حقوقی-کیفری حاکم، امکانی برای تحقق حقوق طبیعی و آزادی‌های اساسی دگرباشان جنسی ایران وجود دارد؟

از دو رویکرد متفاوت می‌توان به این پرسش پاسخ داد؛ پنهان نمی‌توان کرد که شمار اندکی از روشن‌فکران دینی، از جمله آرش نراقی، در طول سال‌های اخیر، تلاش کرده‌اند با ارائه تفسیرهای متفاوتی از منابع دینی، یک خوانش «درون‌دینی» هم‌خوان با حقوق طبیعی دگرباشان جنسی به دست دهند.

اما به نظر می‌رسد که مشکل اصلی خوانش‌های درون‌دینی هم‌خوان با حقوق دگرباشان جنسی این

۱. ماده ۲۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲): «مساحقه عبارت است از این که انسان مؤنث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد.» ماده ۲۳۹ قانون مجازات اسلامی: «حد مساحقه، صد ضربه شلاق است.»

است که اولاً بسیار «حاشیه‌ای» و کم‌توان هستند و دیگر این که به واسطه‌ی ملاحظات سیاسی حاکم، از ارائه‌ی راه‌کارهای مشخص عینی ناتوان هستند. به این معنا که ابزاری برای تغییر سیاست‌ها یا رویکردهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی در اختیار ندارند. بنابراین در نهایت، تمامی تلاش‌ها و کوشش‌های آن‌ها تنها در حیطه‌ی مباحث «کلامی» و «نظری» باقی می‌ماند.

اما در چارچوب رویکرد دوم، مسئله «عینی» و «برون‌دینی» تحلیل می‌شود؛ در این چارچوب، قرار نیست که تامین حقوق طبیعی دگرباشان جنسی، منوط به خواست و اراده‌ی جامعه دینی باشد.

واقعیت این است که تامین حقوق یا آزادی‌های بنیادین، نظیر «حق حیات» یا انتخاب زندگی جنسی، بسته به اراده عموم نیست. در واقع هیچ دلیل اخلاقی یا اصولی در دست نداریم که تامین حقوق طبیعی و انسانی جامعه دگرباشان جنسی، معلق به تایید یا نظر مساعد عموم جامعه باشد. آن چه نیاز است «تغییرات سیاسی رادیکال» و قدرت‌گیری یک «الیت» سیاسی پیشرو است تا این اصلاحات معنادار را، قطع نظر از همراهی یا عدم همراهی جامعه‌ی دینی، پیش ببرد.

## قوانین ایران و حقوق جامعه ال‌جی‌بی‌تی



### شهرزاد کریمی

یکی از بزرگترین چالش‌هایی که می‌تواند در بررسی قوانین مربوط به یک اقلیت وجود داشته باشد، بحث پذیرش کلی و قبول «وجود» داشتن آن دسته، گروه و یا اقلیت است. در قوانین جمهوری اسلامی ایران، بخش بزرگی از جامعه «ال‌جی‌بی‌تی» به طور کلی نادیده گرفته، به رسمیت شناخته نشده و وجودشان انکار شده است. همین مسئله، یعنی عدم پذیرش هویت جامعه ال‌جی‌بی‌تی، عملاً راه امید به تغییر و اصلاح قوانین موجود را تا حد زیادی سد کرده است. فعالان حقوق همجنس‌گرایان، سالیانی است که بیشتر بر موضوع پذیرش هویت تمرکز کرده‌اند. چالش بزرگتری که در بررسی قوانین مرتبط با جامعه ال‌جی‌بی‌تی وجود دارد، اصطلاحات و واژه‌های حقوقی مرتبط با آن‌هاست که بطور کلی تحقیرآمیز و تبعیض‌آمیز و غیر انسانی است.

از سویی استفاده کردن از این دسته واژه‌ها، اخلاقاً درست نیست و از طرفی در یک گفت‌وگوی تخصصی و برای بررسی قوانین، نیاز به شفاف بودن است. به همین دلیل لازم می‌دانیم قبلاً از استفاده از این واژه‌ها و عبارات حقوقی عذرخواهی کنیم.

مجله «حقوق ما» در گفت‌وگو با فرزناز یآوری کارشناس حقوق و پژوهش‌گر در حوزه حقوق جامعه ال‌جی‌بی‌تی ایران، با اشاره به طیف گسترده این جامعه از او پرسیده است:

به طور کلی در مبحث ال‌جی‌بی‌تی، با توجه به طیف گسترده آن، برخورد قوانین ایران چگونه است و آیا این تفاوت‌ها در نظر گرفته شده است؟

در مسایل حقوقی مربوط به جامعه ال‌جی‌بی‌تی، باید بررسی

وضعیت خاص هر گروه را برابر با شرایط خاص خودش مورد توجه قرار داد. بطور مثال افراد «ترانجسیتی» ایرانی در صورت آغاز روند تغییر جنسیت، از حمایت قانونی برخوردار هستند. اما این نگرانی وجود دارد که همجنس‌گرایان بدون نیاز به خدمات پزشکی، تشویق به جراحی تغییر جنسیت می‌شوند.

متأسفانه بدلیل سیستم «هموفوبیک» که در جمهوری اسلامی وجود دارد، انسان‌ها فقط در دو دسته زن یا مرد جا دارند. جمهوری اسلامی، ترنس بودن را بیماری می‌شناسد و به همین شکل به افراد معافیت سربازی می‌دهد. اگر مانند این گواهی برای همجنس‌گرایان هم صادر شود، احتمال مجازات برای فرد هم کاهش می‌یابد، هر چند با مفاد قانونی در تضاد است.

به طور کلی نمی‌توان گفت حمایتی برای افراد جامعه ال‌جی‌بی‌تی، در قوانین ایران وجود دارد. در بیشتر کشورهایی که جوامع ال‌جی‌بی‌تی را به رسمیت می‌شناسند، قوانینی برای حمایت در برابر خشونت علیه ال‌جی‌بی‌تی‌ها وجود دارد.

از آنجایی که متأسفانه روابط همجنس‌گرایانه در ایران جرم تلقی می‌شود، همجنس‌گرایان و به طور کلی هر یک از اعضای خانواده ال‌جی‌بی‌تی، در صورت شکایت علیه آزار و اذیت اعضای خانواده خود و جامعه، با خطرات چشم‌گیری از سوی مراجع قانونی روبرو خواهند بود. علاوه بر مواردی که ذکر شد قوانین تبعیض‌آمیزی، در خصوص پوشش و رفتار افراد در جامعه وجود دارد که می‌تواند گریبانگیر تمامی زیرمجموعه‌های جامعه ال‌جی‌بی‌تی شود.

در قانون مجازات اسلامی، حد لواط برای آن که «مفعول» نامیده می‌شود، در رابطه دو مرد، اعدام است. از نگاه شما به

عنوان یک حقوقدان، این نوع نگاه قانون به موضوع رابطه همجنس‌گرایان، از چه چیزی ناشی می‌شود؟

در ابتدا باید بگویم من مخالف واژه‌های فاعل و مفعول به کار رفته در مواد قانون مجازات هستم. این واژه‌ها، نادیده گرفتن حقوق فردی جامعه ال‌جی‌بی‌تی است. اما به ناچار برای توضیح برخی مواد قانونی، از این واژه‌ها استفاده می‌کنم.

مطابق ماده ۲۳۴ مجازات لواط برای فاعل و مفعول متفاوت است. فردی که نقش مفعول را بر عهده داشته، در هر صورت و فارغ از شرایط، مشمول مجازات اعدام می‌شود، مگر آن‌که بتواند ثابت کند، مورد تجاوز قرار گرفته است. ولی فاعل در صورت عنف، اکراه و احسان، اعدام و در غیر این‌صورت به صد ضربه شلاق محکوم می‌شود.

این ماده علاوه بر تبعیض‌آمیز بودن به صورت کلی، که اصولاً چرا باید دوهمجنس بزرگسال، که با رضایت خود با یکدیگر رابطه جنسی برقرار کردند، مورد مجازات‌های سنگینی مانند شلاق و اعدام واقع شوند، زیر سوال است و از سوی دیگر برای طرفین، شرایط برابر قایل نیست. به طور فرضی مثال می‌زنم در صورتی که دو مرد مجرد مسلمان که باهم رابطه احساسی و جنسی دارند، در شرایطی به لواط محکوم شده باشند، شخصی که نسبت مفعول به وی داده شده برای فرار از مجازات اعدام، باید اثبات کند مورد تجاوز واقع شده، که در این‌صورت فاعل اعدام می‌شود و در غیر این‌صورت، خودش اعدام می‌شود.

در این ماده ضمن این‌که قانون‌گذار به خصوصی‌ترین مساله بین روابط جنسی طرفین پرداخته است، نگاه انسانی نیز وجود ندارد. در رابطه با این‌که چرا قانون‌گذار نقش مفعول را در هر صورت اعدام بیان کرده، ریشه در برخی متون فقهی دارد که به نوعی نشان از سلطه‌جویی فاعل نسبت به مفعول، در رابطه جنسی است. هم‌چنین در تبصره مواد ۲۳۴ و ۲۳۶ بیان شده که در لواط و تفخیذ، در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است. در تبصره این ماده قانون‌گذار صراحتاً بین اسلام و دیگر اقلیت‌های دینی، تبعیض قایل شده است. شاید بتوان گفت در چند سال اخیر، به دلیل فشارهای بین‌المللی و بالا رفتن سطح آگاهی مردم، مجازات اعدام برای لواط و مساحقه رسانه‌ای نمی‌شود. اما تا زمانی که این مواد تبعیض‌آمیز در قوانین مجازات ایران وجود دارد، سایه مجازات‌های غیر انسانی، مانند شلاق و اعدام، جامعه ال‌جی‌بی‌تی را تهدید می‌کند.

آی‌اعدم پذیرش هویتی همجنس‌گرایان، که جزئی از خانواده بزرگ ال‌جی‌بی‌تی هستند، در نوع قانون‌گذاری و در ارتباط با آن‌ها موثر بوده است؟ در واقع اگر به زعم شما این پذیرش هویتی، از سوی قانون‌گذار، به کلی صورت نگرفته و یا ناکافی است، چگونه و به چه نحوی توانسته نوع قانون‌گذاری و قوانین جزایی را تحت تاثیر قرار دهد؟



مردان و زنان همجنس‌گرا در جمهوری اسلامی ایران، با نقض شدید حقوق‌شان روبرو هستند و برای زندگی کردن در قالبی که خودشان دوست دارند، در معرض خطرهای جدی، هم از طرف جامعه و هم از طرف قانون قرار دارند. درست است که به طور کلی جرمی به نام جرم همجنس‌گرایی در قوانین جزایی تعریف نشده، چون گرایش جنسی یک احساس درونی است و تا زمانی که عنصر مادی یک جرم به وقوع نپیوسته، هیچ‌کس نمی‌تواند تفحصی در گرایش جنسی افراد کند، اما متأسفانه برای روابط جنسی با رضایت بین دو فرد همجنس، مجازات سنگین قرار داده شده است و قانون‌گذار صراحتاً در ماده ۲۳۷ رفتار همجنس‌گرایانه را موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری قرار داده است.

طبق قانون اساسی، تمامی قوانین می‌بایست برگرفته از قوانین شرعی باشند. به این ترتیب در قانون مجازات ایران، مواد ۲۳۳ تا ۲۴۱ تعاریف فقهی و مجازات‌هایی هستند که قانون‌گذار برای روابط بین دو همجنس تعیین کرده است. در ایران آمار روشنی وجود ندارد که بتوان اعلام کرد چند نفر به جرم همجنس‌گرایی مجازات شدند، چرا که معمولاً به دلیل غیرعلنی برگزار شدن جلسات دادگاه‌هایی که به «مسائل اخلاقی» می‌پردازند، تعیین تعداد افرادی که در ایران به دلیل روابط همجنس‌گرایانه محکوم و اعدام می‌شوند، دشوار است. متأسفانه با وجود این‌که قوانین مجازات همجنس‌گرایان قابل اجراست، اما جمهوری اسلامی تا جایی سعی در نادیده گرفتن جامعه همجنس‌گرایی دارد که حتی در کلاس‌های درسی دانشجویان حقوق، قوانین مربوط به

همجنس‌گرایان مورد بحث قرار نمی‌گیرد و هدف از این رفتار انکار بودن و وجود داشتن همجنس‌گرایان و به طور کلی تمامی خانواده ال‌جی‌بی‌تی در ایران می‌باشد.

متأسفانه موضوع جرم‌زدایی از روابط همجنس‌گرایان در ایران، اولویتی که باید داشته باشد را ندارد. چرا که حکومت ایران با به حاشیه راندن ال‌جی‌بی‌تی‌ها در جامعه، سعی در این موضوع دارد که افراد جامعه را نسبت به حضور آن‌ها بدبین کند. در چند سال اخیر و با آگاه‌سازی که فعالین حقوق بشر و حقوق اقلیت‌های جنسی، در زمینه شناخت جامعه ال‌جی‌بی‌تی انجام داده‌اند، بستر جامعه تا حدی برای پذیرفتن و به رسمیت شناختن همجنس‌گرایان، که خود زیر مجموعه جامعه ال‌جی‌بی‌تی هستند، آماده شده اما هنوز راه طولانی در پیش است و مهم‌ترین دلیل آن هم مجازات‌هایی است که شخص در صورت بیان و یا به اصطلاح حقوقی، اقرار به همجنس‌گرا بودن با آن مواجه خواهد شد.

یکی از مشکلات حقوقی در ایران در مورد پرونده‌های مربوط به روابط جنسی غیرهمجنس، که بطور شرعی به عقد هم در نیامده‌اند و در اصطلاح فقهی زنا نام گرفته، این است که مسئله تمایل داشتن یا نداشتن دو طرف به ارتباط، در نظر گرفته نمی‌شود. در واقع قانون‌گذار اساساً به خواست و میل دو طرف، برای شروع رابطه جنسی به جهت تعیین جرم و مجازات، توجهی نکرده و بطور پیش فرض، هر دو را مجرم می‌داند. در پرونده‌های مربوط به جامعه ال‌جی‌بی‌تی، نگاه

قانون‌گذار و در ادامه قاضی به انتخاب و میل دو طرف برای رابطه چگونه است؟

یکی از مشکلاتی که در جرم‌انگاری برخی رفتارهای جنسی در قوانین جزایی ایران وجود دارد، کنترل زندگی و روابط خصوصی افراد بالغ است و اصلاً موضوعی به عنوان میل یا قصد طرفین وجود ندارد.

متأسفانه قانون مجازات اسلامی تجاوز جنسی را به عنوان یک جرم جداگانه تعریف نکرده است. در عوض، تجاوز جنسی به عنوان اشکال خاصی از زنا و لواط، مورد بحث قرار می‌گیرد.

متأسفانه واژه «لواط» ممکن است برای توصیف تجاوز مرد به پسر جوان یا به مرد دیگر هم به کار رود. به زبان ساده قانون‌گذار، رابطه جنسی دو همجنس را حتی در صورت میل طرفین، جرم تعریف کرده و بسته به تعاریف قانونی، برای آن مجازات حدی شلاق و اعدام تعیین شده است. نکته عجیب و دردناک این است که قانون‌گذار در مبحث جرم‌انگاری روابط همجنس‌گرایان در قانون مجازات، نه تنها رابطه جنسی دو فرد هم‌جنس، بلکه مطابق ماده ۲۳۷ برای افعالی هم‌چون بوسیدن و لمس کردن در صورتی که از روی شهوت باشد، سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری تعیین کرده است. بنا به نوع تفکر خودشان، این‌که چطور می‌توان تشخیص داد این افعال از روی شهوت بوده یا خیر قابل تامل است!

«رضوانه محمدی»، یکی از کسانی است که به دلیل فعالیت در حوزه حقوق همجنس‌گرایان به زندان محکوم شد. در دادنامه او به مواردی چون جرم‌زدایی از همجنس‌بازی، عادی‌سازی روابط نامشروع لواط، ننگ‌زدایی از همجنس‌بازان، قابل پذیرش کردن همجنس‌بازی اشاره شده است. آیا فعالیت در حوزه حقوق ال‌جی‌بی‌تی هم می‌تواند جرم تلقی شود؟ بطور مشخص در قانون به چنین مواردی اشاره شده یا احیاناً در قوانین، بستری برای چنین جرم‌سازی‌هایی وجود دارد؟

متأسفانه برای افراد شجاعی مانند «رضوانه محمدی» که در ایران در زمینه حقوق همجنس‌گرایان زیر شدیدترین محدودیت‌ها فعالیت می‌کنند، احکام ناعادلانه و ظالمانه‌ای صادر می‌شود. بیشتر هم اشاره کردم، حکومت جمهوری اسلامی تمامی تلاش خود را برای نفی وجود ال‌جی‌بی‌تی‌ها می‌کند. نمونه آن هم استفاده از واژه همجنس‌باز، در دادنامه رضوانه محمدی است، که مستقیماً این جامعه را مورد توهین قرار داده است.

مواد قانونی لازم در ایران وجود ندارد که مشخصاً فعالیت در حوزه ال‌جی‌بی‌تی را جرم تعریف کرده باشد ولی موادی در قانون مجازات وجود دارند که تشکیل هر گروه و هر فعالیتی را در ایران با محدودیت مواجه می‌کند که می‌توان گفت جامعه ال‌جی‌بی‌تی ایران روز به روز تحت نظر همین محدودیت‌ها، در فشار بیشتری قرار می‌گیرد.



## جامعه ال جی بی تی در ایران، خسته از روابط مخفیانه

### سروناز رستگار

تنگ می پوشد تا سینه هایش توجه کسی را جلب نکند و بالاخره بعد از سال ها با وارد شدن به حلقه دوستی پسران هم جنس گرا توانسته کمی احساس امنیت کند. «امنیت احساسی است که سال ها نداشتم. همیشه از این که چیزی را دارم پنهان نگه می دارم، نگران بودم. برای کاهش اضطرابم به مشاور مراجعه کردم اما او معتقد بود که به دلیل نیاز جنسی دچار اضطراب شده ام و از من خواست هر چه زودتر ازدواج کنم.»

ساده در مورد واکنش خانواده اش به همجنس گرایی اش می گوید: «آنها هنوز نمی دانند. پذیرفته اند که مدل لباس پوشیدنم با بقیه دخترها فرق دارد. مادرم از این که درگیر پسرها نیستم خوشحال است و می گوید با این مدل لباس پوشیدن، کمتر دچار آزار خیابانی می شوم. راست هم می گوید. دوست دخترم هم با خیال راحت به خانه مان می آید و حتی شب را پیش من می ماند. تنها مساله ما این است که در برابر اعضای خانواده ام نمی توانیم همدیگر را ببوسیم و به هم عاشقانه نگاه کنیم. خب من به این زندگی پنهانی عادت کرده ام و دیگر خیلی عذاب نمی کشم.

می گوید کلاس دوم راهنمایی بوده که متوجه شده با بقیه فرق دارد. در حالی که همه هم سالانش به پسرها فکر می کردند و در مورد آنها حرف می زدند، او عاشق دخترهایی می شد که عاشق پسرها بودند. کمی بعدتر زمانی که توجه پسرها به او آغاز شد، هیچ کدام را نمی توانست تحمل کند: «وقتی به من زنگ می زدند و می خواستند با من حرف بزنند، حالم بد می شد. خواهر بزرگترم سر به سرم می گذاشت و می گفت لیاقت توجه دیگران را ندارم. اما من می دانستم که مشکل جای دیگری است. خودم را دلداری می دادم و می گفتم: عیبی ندارد. بزرگ می شوم و خوب می شوم. بزرگ شدم اما هیچ وقت تغییر نکردم.»

حالا مدت هاست که دوستانش به جای سایه، ساده صدایش می زنند، اسمی من در آوردی که به گفته خودش بدون جنسیت است و کسی به خاطر آن سرزنش نمی کند. سال هاست که موهایش را کوتاه کوتاه می کند و با تی شرت و شلوار از خانه بیرون می رود. کرسی

دانش آموز دختر و پسر دوره متوسطه در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ منتشر شد.

بر اساس این تحقیق<sup>۵</sup>، ۱۰۵ هزار و ۴۶ نفر دانش آموز یعنی ۷۴.۳ درصد دارای رابطه «غیر مجاز با جنس مخالف» بوده اند.

همچنین تعداد ۲۴ هزار و ۸۸۹ نفر که ۱۷.۵ درصد دانش آموزان مورد تحقیق را در بر می گیرد، همجنس گرا بوده اند و ۱۱ هزار و ۶۸۲ نفر یعنی ۸.۲ درصد نیز دست به خودارضایی می زده اند.

مسئولان جمهوری اسلامی با حذف این گزارش از وبسایت مرکز پژوهش های مجلس با حذف صورت مساله، بار دیگر موضوع همجنس گرایی در ایران را به عنوان یک تابو در حد کتاب های قانون و مجازات های سخت نگه داشتند.

در سال های ۹۶ تا ۹۶، کامیل احمدی، مردم شناس و پژوهشگر با بیش از ۴۰۰ نفر در سه کلان شهر تهران، مشهد و اصفهان گفت و گوهایی عمیق انجام داد. نتیجه این تحقیقات با عنوان «داستان شهر ممنوعه<sup>۶</sup>» منتشر شد.

در این تحقیق به وضوح نشان داده شد ایران جامعه ای سنتی است که هم جنس گرایی را نوعی «ناهنجاری» می داند و وقتی در این کشور جنسیت فردی پرسیده می شود، او نمی تواند گزینه سومی را در نظر بگیرد: «هر کسی یا مرد است یا زن.»

این تحقیق فضای حاکم بر خوابگاه های دانشجویی را به عنوان یکی از نقاط شروع روابط هم جنس گرایانه معرفی کرده و همچنین مشخص کرده است نوع تجربه های عاطفی و جنسی افراد در سه شهر مورد هدف، به نوعی به رفتار جنسی شهر بستگی دارد و تفاوت های موجود به فرهنگ خاص حاکم بر هر ناحیه باز می گردد.

بر همین اساس، دگرباشان در تهران در مقایسه با دگرباشان اصفهان و مشهد، از آزادی بیشتری برای قرار ملاقات در پارک یا دسترسی به برخی پاتوق ها و میهمانی های آخر هفته برخوردار هستند.

این تحقیق در بخشی دیگر به دشواری یافتن شریکی

هنوز خیلی خوشحالم که پسر نیستم زیرا زندگی دوستان همجنس گرای من خیلی دشوارتر است.»

اشاره ساده به قوانین جمهوری اسلامی است که براساس آن **مساحقه**<sup>۱</sup>، رابطه جنسی دوزن، جرم شناخته می شود. قانون گذار در **ماده ۲۳۹ قانون مجازات اسلامی**<sup>۲</sup> آورده است: «حد مساحقه، صد ضربه شلاق است.»

**ماده ۲۴۰**<sup>۳</sup> نیز در مورد حد مساحقه بیان می دارد: «در حد مساحقه، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محسن و غیرمحسن و علف و غیرعلف نیست.»

براساس قانون اما اگر دو زن رابطه ای کمتر از مساحقه داشته باشند، دیگر مجازات آنها ۱۰۰ ضربه شلاق خواهد بود؛ بلکه به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری محکوم خواهند شد.

«**ماده ۲۳۷**<sup>۴</sup> - هم جنس گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.

تبصره ۱ - حکم این ماده در مورد انسان مؤنث نیز جاری است.

تبصره ۲ - حکم این ماده شامل مواردی که شرعاً مستوجب حد است، نمی گردد.»

با این که قوانین ایران همجنس گرایی را جرم تلقی می کنند اما در سال های اخیر جامعه شناسان و پژوهشگران فرصت آن را یافته اند تا تحقیقاتی در این زمینه انجام دهند.

در این میان گزارش مرکز پژوهش های مجلس با عنوان «ازدواج موقت و تأثیر آن بر تعدیل روابط نامشروع جنسی»<sup>۵</sup> در سال ۹۳ جنجال برانگیزترین گزارش در این زمینه بود که از سایت این مرکز حذف شد و سوابق علمی و پژوهشی تهیه کنندگان این گزارش از سوی سایت های اصولگرا مورد سؤال قرار گرفت. در این گزارش که هیچ گاه در صحن علنی مجلس قرائت نشد، با استناد به نامه ای از وزارت آموزش و پرورش، نتایج تحقیق بر ۱۴۱ هزار و ۵۵۵

۱. مساحقه عبارت است از اینکه انسان مؤنث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد.

2. <https://bit.ly/34Mk5SN>

3. <https://bit.ly/2KCzhuD>

4. <https://bit.ly/38AoRns>

5. <https://bit.ly/3nTMvBC>

6. <https://kameelahmady.com/fa/lgbt-in-iran/>





باشگاه خبرنگاران

شرح عکس در [باشگاه خبرنگاران جوان](#):

عکس زیر چتری را با نماد همجنس گرایی نشان می دهد که در سطح شهر تهران و به راحتی به فروش می رسد.

اطلاعات سپاه مکررا با وی تماس می گرفتند.» این پایان برخورد با گردهم آیی های همجنس گرایان در ایران نبود. در سال ۹۶ خبری در مورد بازداشت خشن ۳۰ همجنس گرا در اصفهان منتشر شد. براساس [این گزارش](#)<sup>۲</sup>، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی

2. <https://ir.voanews.com/persiannewsiran/iran-arrest>

در مقایسه با تهران، مشهد و اصفهان سنتی تر و مذهبی تر هستند و همجنس گرایی را انحراف و ناهنجاری می دانند. به همین دلیل نرخ بالایی از خشونت علیه همجنس گرایان در این دو شهر دیده می شود.

### شریک یابی زیر نظر وزارت ارشاد

سیاست های چندگانه جمهوری اسلامی در برخورد با همجنس گرایان تا آنجا پیش رفته که سال گذشته وبسایتی با هدف یافتن شریک جنسی برای همجنس گرایان زیر نظر وزارت ارشاد فعالیت می کرد.

مجید می گوید: «بین بچه ها پیچیده بود که یک وبسایت خفن درست شده که می تویم آنجا با همجنس گرایان در ایران ارتباط برقرار کنیم. وقتی من سراغش رفتم، به نظرم عجیب بود. زبانش همان بود که مردم کوچه و بازار در مورد ما حرف می زنند، مثلاً: برای پیدا کردن فاعل و مفعول مورد نظر خود به سوال های زیر پاسخ دهید.

بعد از ما می خواست تا همه اطلاعات خود تا آدرس خانه شماره تلفن و همه را برایشان بنویسیم. بالای صفحه هم با فونت درشت نوشته بود زیر نظر وزارت ارشاد. خب من همان موقع فهمیدم که این یک تله است تا هر وقت خواستند بیایند سراغمان.»

### واکنش همجنس گرایان

این تحقیق هم چنین می گوید که در پاسخ به سرکوبها و محدودیت های تجربه شده، اقلیت های جنسی همواره منفعل و مطیع بوده و گاه واکنش های سازمان یافته یا سازمان نیافته خواسته یا ناخواسته ای را از خود نشان داده اند.

مخفی کاری، ازدواج دروغین، مهاجرت و تلاش برای عادی سازی این هویت جنسی در جامعه، چهار واکنش همجنس گرایان در مقابله با سرکوبها، تهدیدها و مخالفت ها با هویت جنسی آنها است. محدودیت ها در شهر تهران تا آنجا پیش رفته که حتی استفاده از چترهای رنگی نیز با اتهام «ناهنجاری و انحطاط جنسی» روبرو می شود.

در یورش به یک مهمانی خصوصی در منطقه باغ بهادران اصفهان بیش از ۳۰ مرد را به اتهام لواط، نوشیدن مشروبات الکلی و مصرف مواد روان گردان بازداشت کرد. گزارش های متعددی مبنی بر شلیک چند گلوله و ضرب و جرح شدید بازداشت شدگان نیز دریافت شد. بازداشت شدگان ابتدا به بسیج منطقه منتقل شدند و پس از تعیین قاضی ویژه ای به زندان دستگرد اصفهان منتقل شدند. به گزارش سازمان دگرباشان ایران «دستگیر شدگان برای انجام معاینات مقعدی و ارائه گواهی به دادگاه پزشک قانونی ارجاع داده شده اند» و دگرباشان اصفهان «مجبور شده اند که اسامی دوستان دگرباش خود را نوشته و آنها را گزارش دهند تا شاید تخفیف جزایی برای آنها در نظر گرفته شود».

سرنوشت پرونده این سی نفر در حالی هنوز نامعلوم است که انتشار خبرهایی از این دست سبب شده تا آمار افسردگی و خودکشی در میان همجنس گرایان افزایش یابد. بنا بر تحقیق کامیل احمدی، تهران با ۳۵.۷ درصد، اصفهان با ۴۰ درصد و مشهد با ۵۰ درصد با خودکشی همجنس گرایان دست به گریبان هستند.

اما خشونت علیه همجنس گرایان در ایران تنها از سوی حکومت اعمال نمی شود.

براساس نتایج تحقیق کامیل احمدی، مجموع مشکلات مزمنی که بیشتر اقلیت های جنسی روزانه تجربه می کنند، هم چون تمسخر در خانه، مدرسه، محیط کار و حتی در خیابان، خطر بالای دستگیری، بهره کشی، زورگویی و آزار جنسی، به شرایط ناعادلانه و غیرانسانی و غیرقابل تحمل زندگی منجر می شوند.

بسیاری از این افراد با سرکوب اجتماعی و حاکمیتی زندگی می کنند. وقتی چنین شرایطی ثابت باقی می ماند، راه برای آسیب های اجتماعی بیشتر مانند خشونت، اختلال روانی، افسردگی و خودکشی بیشتر باز می شود.

در ایران، اقلیت های جنسی نمی توانند از حقوق مدنی و قانونی خود بهره مند شوند و در جریان یک رابطه ناسالم خشونت آمیز از خود دفاع کنند.

براساس این تحقیق، بیشترین خشونت و تبعیض در اصفهان با ۸۰ درصد و سپس در مشهد با ۶۶.۶ درصد و تهران با ۷۰.۱ درصد رخ می دهد.

ماندگار برای همجنس گرایان ایران پرداخته است. با این که کامیل احمدی به دلیل تحقیقاتش از جمله تحقیق فوق الذکر، به تحمل ۹ سال زندان محکوم شده اما مجید، از تجربه خود در تایید این یافته پژوهشی می گوید. مجید که در تلاش است تا راهی برای خروج از ایران بیابد، به حقوق ما می گوید: «خسته شده ام، از روابط یواشکی، عشق های یواشکی، مهمانی های یواشکی، دست هم را گرفتن یواشکی. همه زندگی من از ۱۳ سالگی که فهمیدم همجنس گرا هستم یواشکی بوده و هنوز هم در ۲۷ سالگی زیر سایه ترس زندگی می کنم.»

مجید از مجازات اعدام در قوانین جمهوری اسلامی برای همجنس گرایان می گوید و این که سایه اعدام همواره بر روابط او و دیگر همجنس گرایان سایه انداخته است. از جمله اجرای حکم اعدام دو نوجوان همجنس گرا پس از تحمل ضربات شلاق، در [شهر مشهد](#)<sup>۱</sup>.

هراس از مجازات های جمهوری اسلامی در حالی است که در سال های اخیر تنها خبر بازداشت گروه ها و افراد همجنس گرا منتشر شده و کمتر حکمی در مورد این افراد در رسانه ها مطرح شده است.

در مهرماه ۱۳۹۲ وبسایت سپاه نبی اکرم، شاخه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خبر از بازداشت و متلاشی کردن «باند همجنس بازی و شیطان پرستی» در شهر کرمانشاه داد. این مهمانی در واقع جشن تولدی ساده بود که شماری از افراد همجنس گرا و ترنسجندر در آن شرکت کرده بودند اما با حمله ماموران سپاه سرنوشت شماری از این افراد به گونه دیگری رقم خورد. از ۱۷ نفر بازداشتی مدتی بعد تعدادی از کشور خارج شدند و شماری به زندگی در کشور ادامه دادند.

پیشکو زندگی، فعال ال جی بی تی گرد در خصوص ادامه تهدیدها به [هرانا](#) گفت: «میزبان مهمانی و صاحب جشن تولد، با نام مستعار «شروین» را بیشتر از همه در بازداشت نگاه داشته و شکنجه کردند. به درون سلولش طناب دار انداختند و به این روش او را ترسانند. بعد از آزادی هم تا مدت ها تحت فشار بود و احضار می شد تا نهایتاً خودکشی کرده و به زندگی خودش پایان داد. فرد دیگری نیز تا سال ها برای خبرچینی تحت فشار قرار داشت و از سوی

1. <https://www.radiofarda.com/a/305488.html>



## گرایش جنسی و هویت جنسیتی در قوانین بین‌المللی حقوق بشر



نیره انصاری

وجود احساسات همجنسگراهراسی، همجنسگراستیزی اغلب با عدم حمایت قانونی کافی در برابر تبعیض مبتنی بر گرایش جنسی و هویت جنسیتی همراه است. همجنسگراهراسی بسیاری از افراد «ال جی بی تی / LGBT» را در همه مقاطع سنی و در بسیاری کشورها در معرض نقض فاحش حقوق انسانی‌شان قرار می‌دهد. نگرانی‌ها و تناقض‌های موجود توسط سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل از دهه ۱۹۹۰ اعلام شده است. این سازوکارها شامل مجموعه معاهداتی‌اند که برای نظارت بر تطبیق عملکرد دولت‌ها نسبت به معاهدات بین‌المللی حقوق بشر ایجاد شده است. همچنین نظارت گزارشگران ویژه و دیگر متخصصانی که توسط «کمیسیون حقوق بشر» و جایگزینی آن یعنی «شورای حقوق بشر» برای تحقیق و گزارش در خصوص مشکلات حقوق بشری منصوب شده‌اند.

در سال ۲۰۱۱ شورای حقوق بشر قطعنامه‌ای تحت عنوان «نگرانی جدی» تنظیم نمود که در خصوص خشونت و تبعیض علیه افراد به دلیل گرایش جنسی و

هویت جنسی‌شان بود. اگرچه در حال حاضر نیز ضرورت اقدامی برای پایان دادن به این خشونت‌ها به شدت احساس می‌شود. (هرچند که مورد تأیید همگان نیست). در ژوئن ۲۰۱۱ شورای حقوق بشر سازمان ملل قطعنامه ۱۷/۱۹ را مصوب نمود که نخستین قطعنامه این سازمان درباره حقوق بشر و ایضا «گرایش جنسی» و «هویت جنسیتی» است. این قطعنامه توسط اکثریت مرزی به تصویب رسید. اما به شکل معناداری مورد حمایت همه اعضای شورا قرار گرفت.

در حقیقت تصویب این قطعنامه راه سازمان ملل را برای ارائه نخستین گزارش از همین موضوع که وسیله کمیساریای عالی حقوق بشر تهیه و تنظیم شده بود، هموار ساخت.

البته چندین دهه بود که فراز «گرایش جنسی» و «هویت جنسیتی» به ندرت در نشست‌های رسمی و بین‌دولت‌ها در سازمان ملل بکار می‌رفت. اما در شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو، بحثی در خصوص حقوق زنان و مردان همجنسگرا، دو جنسگرا و تراجنسها یا «جنسیت سوم» درگرفت؛ بحث در شورای حقوق بشر به حیث



بی تی / LGBT. در حقیقت یافته‌های این گزارش موجب شکل‌گیری یک جلسه مباحثاتی شد که در شورا در تاریخ هفتم مارس ۲۰۱۲ تنظیم گردید.

این نخستین بار بوده است که در بخش «بین دولتی سازمان ملل» یک بحث رسمی به خشونت و تبعیض علیه همه مردم، بدون توجه به گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌شان «فصل نویسی» را در این سازمان رقم زده شد. حتی رئیس وقت سازمان مورد نظر (بان کی مون) به طور مشخص خشونت علیه «LGBT را به عنوان یک تراژدی فراموش نشدنی» برای کسانی که این خشونت بر آنان اعمال شده است و یک لکه ننگ برای «وجدان جمعی» توصیف کرد. در واقع این رفتارها از جمله خشونت‌ها علیه قوانین بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌شوند.

سیاسی توجه دولت‌ها را بر قوانین و اقدامات تبعیض آمیز در سطح ملی و الزامات دولت‌ها در چارچوب و چوکات حقوق بین‌المللی بشر متمرکز ساخت تا این امور از راه قانون گذاری و سایر ابزارهای تخصصی مطمح نظر قرار گیرند.

گزارش کمیساریای عالی شواهدی را ارائه داد. از وجود یک الگوی خشونت و تبعیض سیستماتیک که نسبت به مردم همه مناطق به دلیل گرایش جنسی و هویت جنسیتی اعمال می‌شد؛ از تبعیض در مورد داشتن شغل، مراقبت‌های بهداشتی/درمانی و تعلیم و تربیت گرفته تا هدف حملات فیزیکی واقع شدن و حتی «مرگ»!

به دیگر سخن این گزارش مشتمل بر مجموعه توصیه‌ها به دولت‌هاست، در جهت تعمیم حمایت از حقوق بشر لزیب‌ها، گی‌ها، دوجنسگرایان و ترنسکشوال/ال جی



## ده فراز از ده سال زندگی و فعالیت با شش‌رنگ

شش‌رنگ یکی از نهادهایی است که در زمینه دست‌یابی به حقوق برابر تلاش می‌کند و این روزها ۱۰ سالگی خود را جشن گرفته است. به این مناسبت مجله «حقوق ما» از گردانندگان شش‌رنگ درخواست کرد تا متنی را به این مناسبت به دفتر مجله ارسال کنند. مجله «حقوق ما» با تبریک این مناسبت، از خوانندگان دعوت می‌کند تا با شش‌رنگ بیشتر آشنا شوند.

\*\*\*

به مناسبت ده سال فعالیت پرچالش شش‌رنگ، فرازهایی از فعالیت‌هایمان را به اختصار بیان می‌کنیم، تا بستری کارآمد و بر اساس تجربه عملی و نتایج فعالیت‌های سازماندهی شده را برای گفت و گو در مورد حقوق بشر جامعه ال‌جی‌بی‌تی ایران فراهم کنیم.

### فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

با این شعار، **ده سال پیش، در آبان ماه ۱۳۸۹**، نزدیک به بیست نفر از ایران، ترکیه و کشورهای مختلف اروپا، در خوابگاه جوانان کوچکی در فرانکفورت گردهم جمع شدند تا به یک سؤال پاسخ دهند: چطور می‌شود با هموفوبیا (همجنس‌گراهراسی / ستیزی) و ترنس فوبیای (ترنس‌ستیزی) جاری در جامعه ایرانی مبارزه کرد. از دل سه روز زندگی در کنار هم و بحث پرچالش، **شش‌رنگ (شبکه لژیون‌ها و ترنس‌جندرهای ایرانی)** متولد شد. تاکید جمع بر این بود که این دوگروه از جامعه رنگین‌کمانی، در حاشیه‌ترین، حذف شده‌ترین و بی‌صداترین گروه هستند.

### بنا کردن خانه‌ای به نام خود، از آن خود

جمع تازه تاسیس شده، نام شش‌رنگ را برای خود برمی‌گزیند و خانه‌ای از آن خود می‌سازد. گروه فیس بوکی بسته‌ای که برای تبادل نظر و بیان تجربه‌های زندگی روزمره درست کردند به سرعت بیشتر از صد عضو که اکثر آن‌ها در ایران هستند را جذب می‌کند. گام‌های کوچک، برای یادگیری کارجمعی با نام و از آن خودشان. گام‌هایی که با گسترش شبکه‌های اجتماعی بزرگتر و فراگیرتر و علنی‌تر می‌شوند تا جایی که فقط در سال گذشته، بیش از دو میلیون نفر از مطالب شش‌رنگ در شبکه‌های اجتماعی و تارنمای آن بازدید کرده‌اند.

### ورود به رسانه‌های جریان اصلی

رسانه‌های جریان اصلی همواره نسبت به مسائل گروه‌های محذوف و در حاشیه بی‌اعتنا بوده‌اند. شکستن این سد، چالش بسیار داشت به خصوص که اگر خبر و مصاحبه و گزارشی هم بود، تنها تصویری مردانه از همجنس‌گرایی ارائه می‌داد. پس از تاسیس شش‌رنگ، این تصویر با حضور چهره‌های لژیون و ترنس در ده‌ها مصاحبه تلویزیونی، رادیویی و کتبی شکست و در جدی‌ترین **میزگردهای تلویزیونی** مانند **برنامه پرگار بی‌بی‌سی**، گفتمان‌سازی کرد. در این روند، شش‌رنگ، "تولد دیگری" یافت. تولدی که بارها و بارها از آن زمان تاکنون ادامه یافته است. سد شکسته شد و راه برای بسیاری فعالین دیگر نیز هموار شد. اما همچنان معتقدیم در بسیاری از موضوعاتی که زندگی ما را متاثر کرده است، مثل انقلاب

بهمن، حجاب اجباری، قوانین شرع، انتخابات و اعتراضات جاری، نظریات و افق دید ما در بحث‌ها به حساب آورده نشده و عملاً جامعه را از نگاه و چشم‌انداز ما محروم می‌سازند. آسیبی که در نهایت برقراری دموکراسی در ایران را نشانه خواهد رفت.

### نه به تغییر جنسیت تحمیلی

اخبار و گزارش‌های زیادی از ایران درباره فشار بر بسیاری از اقلیتهای جنسی برای طی فرایند کامل ترنزشن (تطبیق جنسیت) به دست شش‌رنگ می‌رسد. فرایندی که در غیاب انتخاب آزادانه، منجر به عقیم شدن اجباری و عمل‌های پی‌در پی با شرایط غیر انسانی می‌گردد. هموفوبیای حاکم بر نظام بهداشت و درمان و سایر فضاها زیست همجنس‌گرایان و ترنس‌جندرها، بسیاری از افراد را که به گرایش متفاوت خود پی‌می‌برند و یا درک متفاوتی از هویت جنسیتی خود دارند را هم به این سو سوق می‌دهد که با تن دادن ناگزیر به جراحی، در تنها قالب به رسمیت شناخته شده توسط جمهوری اسلامی یعنی زن یا مرد دگرجنس‌گرا جا بگیرند. تحقیق "نه به تغییر جنسیت تحمیلی" برای بررسی و مستند کردن این نقض حقوق بشر کلید زده می‌شود. با بیش از ۱۰۰ عضو جامعه ال‌جی‌بی‌تی مصاحبه و حاصل آن، کتاب انگلیسی "**بیماری‌انگاری هویت‌ها، بدن‌های زخمی**" است که طی یک کنفرانس مطبوعاتی **بین‌المللی** و در **حاشیه مراسم پراید استانبول** در سال ۲۰۱۴ رونمایی شد.

**کتاب فارسی "جنسیت x"** نوشته شادی امین نیز به عنوان اولین تحقیق جامع در مورد تجربه زیست همجنس‌گرایان و ترنس‌جندرها در **مراسمی در لندن** با حضور پژوهشگران ایرانی و بین‌المللی به مراسم برای اعلام همبستگی و دفاع از حقوق این جامعه بدل می‌شود. حضور پژوهشگران و استادانی چون هایدی مگیثی، ژانت آفاری، شادی صدر و رها بحرینی و تاکیدشان بر اهمیت چنین تحقیقاتی، نوری بر زحمات ما تابانده و به دیده شدن آن کمک می‌کند.

نتیجه تحقیق «نه به تغییر جنسیت تحمیلی» همچنین به شکل فیلم کوتاه و گزارش‌های خلاصه، در بسیاری از نشست‌ها و جلسات سازمان ملل، کنفرانس‌های بین‌المللی و سخنرانی در سمینارهایی در دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های شهرهای گوناگون در آسیا، آمریکای شمالی و اروپا با هزاران نفر در میان گذاشته می‌شود. کشورهای مختلف و نهادهای سازمان ملل، همچون کمیته میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی را در زمینه کیفیت و روند عمل‌های تطبیق جنسیت و سایر موارد نقض حقوق اقلیت‌های جنسی و جنسیتی به پاسخگویی فرا می‌خوانند.

### غرور و افتخار، از ایران تا پراید استانبول

در خرداد ماه ۱۳۹۵، برای نخستین بار جمعی از همجنس‌گرایان و ترنس‌جندرها از ایران به دعوت شش‌رنگ برای شرکت در پراید استانبول به ترکیه آمدند. پرچم‌های ترکیبی شش‌رنگ و پرچم ایران با شعارهای "به ما عادت خواهید کرد" و "ما همه جا هستیم، در

همین نزدیکی" و "همجنس‌گرایی جرم نیست، همجنس‌گراستیزی جرم است"، پراید استانبول را تسخیر کرد و حس غرور و افتخاری وصف‌ناپذیر به آن‌ها که در ایران جز پنهان شدن، تحقیر و توهین ندیده و نشنیده بودند رابعث شد و البته خشم رسانه‌های دولتی را به دنبال داشت. فعالان ال‌جی‌بی‌تی ترکیه نیز برای نخستین بار، مسائل و مشکلات هم‌صنفان خود در کشور همسایه را از زبان و شعارهای خودشان شنیدند و با آن‌ها ابراز همبستگی می‌کنند. **انعکاس رسانه‌ای این مراسم**، موجی جدید از بازتاب مسائل ما را باعث می‌شود. رسانه‌هایی چون انصار نیوز و فارس نیوز با اتهامات و افتراهای بسیار خبر حضور ما را درج می‌کنند، این عکس‌العمل‌ها نشان می‌دهد که حضور در کشورهای همسایه و با فعالیت‌های علنی و اعتراضی چقدر برایشان گران می‌آید. این نقطه‌ی آغازی برای حضور متشکل در رژه‌های افتخار بود، در سال‌های بعد از آن در شهرهای مختلف از ونکوور تا برلین حضوری فعالانه برای رساندن صدای جامعه‌ی ال‌جی‌بی‌تی ایران به جهانیان را سازمان داده‌ایم و در رژه‌های افتخار سازماندهی شده توسط متحدینمان شرکت کرده‌ایم.

### نماینده‌ای در قلب بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی ال‌جی‌بی‌تی

**ایلگا (سازمان جهانی همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان، ترنس‌ها و اینترسکس‌ها)**، بزرگترین و مهمترین سازمان بین‌المللی ال‌جی‌بی‌تی است که ۱۶۱۴ سازمان، از ۱۵۸ کشور جهان در آن عضو هستند و موثرترین سازمان در تحولات سیاسی مربوط به این حوزه است. شش‌رنگ برای اولین بار در **سال ۲۰۱۴ در کنفرانس سالانه آن در مکزیک** شرکت کرد و به عضویت این سازمان بین‌المللی درآمد. در سال ۲۰۱۷ شادی امین، مدیر شش‌رنگ از سوی سازمان‌های ال‌جی‌بی‌تی در آسیا به عنوان عضو علی‌البدل هیات مدیره ایلگای آسیا انتخاب شد. دو سال بعد، در **کنفرانس کره جنوبی**، او مجدداً و این بار به عنوان عضو اصلی هیات مدیره ایلگای آسیا و **عضو هیات مدیره ایلگای جهانی** انتخاب شد. این انتخاب به معنای شرکت در سیاست‌گذاری در سطح جهانی از زاویه نگاه جامعه‌ای که در آن قوانین تبعیض‌گرایانه، تا سر حد اعدام جان و جهان ما را تهدید می‌کند بسیار اهمیت دارد. برداشتن گام‌هایی که ال‌جی‌بی‌تی آسیا را بیشتر و بیشتر مشاهده‌پذیر کند و مطالباتشان را در کنار مطالبات مطرح در اروپا و آمریکای شمالی و دیگر نقاط جهان به موضوعاتی جدی و قابل پیگیری بدل کند. این چالش تاکنون با موفقیت به پیش رفته و امیدواریم که دیگران نیز ما را در این مسیر همراهی کنند.

### کمپین "آری به تغییر"

در سال ۲۰۱۶ شش‌رنگ تصمیم گرفت تا موضوع حقوق اقلیت‌های جنسی و جنسیتی را فراتر از جامعه ال‌جی‌بی‌تی مطرح کند. برای رسیدن به این مقصود تصمیم به پیشبرد کمپینی چندرسانه‌ای تحت عنوان "**آری به تغییر**" گرفتیم. برای اولین بار در تاریخ ایران، بیش از ۷۵ چهره سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری از نقاط





# شش رنگ 6RANG®

مختلف ایران و افغانستان به فراخوان شش رنگ پاسخ دادند و با انتشار ویدئو هایی حمایت خود را از مطالبات جامعه ال جی بی تی اعلام کردند. این ویدئوها تاکنون بیش از یک و نیم میلیون بیننده داشته و ضرورت رفع تبعیض مبتنی بر گرایش جنسی و هویت جنسیتی را به امری اجتماعی و همگانی بدل کرده است. کمپینی که در نوع خود و در جامعه ایرانی بی نظیر بود.

**از ایران تا ژنو: صدای موثر اقلیت های جنسی و جنسیتی**  
ارتباطات روزانه شش رنگ با اعضای جامعه ال جی بی تی در ایران ادامه دارد که اصلی ترین منشا تحقیقات آن بوده است. علاوه بر وقایعی مثل دستگیری شرکت کنندگان در مهمانی ها (کرمانشاه، شیراز، کرمان و ...)، **دستگیری فعالین این حوزه** و فشارهای دستگاه های امنیتی و قضایی، موضوعاتی مانند تغییرات در سیاست های مربوط به سربازی همجنسگرایان مرد، تنفر پراکنی مقامات و رسانه های دولتی، درمان های اصلاحی و خشونت علیه اقلیت های جنسی و جنسیتی، موضوع گزارش های متعدد تحقیقی شش رنگ می شود. این گزارش ها، در رسانه های ایرانی و بین المللی بازتاب می یابند و مهمتر از آن، منبعی برای سیاست گذاری در حوزه پناهندگان ال جی بی تی در کشورهایی مثل انگلیس، هلند، آلمان و استرالیا می شوند؛ منابعی معتبر برای اثبات دروغ بودن ادعاهای جمهوری اسلامی در سطح بین المللی در مورد مثبت بودن وضعیت افراد ال جی بی تی در ایران. **کمیته های حقوق کودکان و حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل** نیز با اتکا به نتیجه تحقیقات

**شش رنگ**، بی اعتباری گفته های نمایندگان جمهوری اسلامی در ژنو در **مورد وضعیت کودکان و افراد متعلق به جامعه ال جی بی تی دارای معلولیت** را ثابت می کنند و رسوایی بین المللی دیگری را برای آنان رقم می زنند.

## قانون جایگزین برای افراد ترنس

سال هاست در ایران صحبت از تصویب قانونی است که به رویه های ناهمگون در سطح کشور و در رسیدگی به وضعیت افراد ترنس خاتمه دهد. با شناخت کامل از اینکه چنین قانونی در چارچوب های جمهوری اسلامی نخواهد توانست حقوق بشر افراد ترنس را تأمین کند، ۱۰ نفر از فعالان شش رنگ از ایران گردهم آمدند. آنها در یک فرایند دو روزه و با مرور دقیق موازین حقوق بشر، از جمله اصول یوگیا کارتا و قوانین کشورهایی چون هند، آلمان و تایلند و آرژانتین، **متن قانونی** را تنظیم و منتشر کردند. این قانون، پیشنهادی است برای قانونی ایده آل که حقوق بشر افراد ترنس در ایران را تضمین می کند. این اولین تلاش تخصصی ما برای مشارکت و دخالتگری جامعه ال جی بی تی در قانون گذاری است.

## اولین پراید مجازی در دوران کرونا

شیوع کرونا در اواخر سال ۱۳۹۸ و سال ۱۳۹۹، نه فقط ایران بلکه کل دنیا را تحت تاثیر قرار داده است. اجتماعات در کشورهای مختلف لغو شده و رژه های افتخار همجنسگرایان نیز از آن مستثنی نبوده. اعضای جامعه ال جی بی تی، خشونت و تنهایی فزاینده را در

شرایط قرنطینه و تعطیلی فضاهای آموزشی و سایر فضاهای عمومی تجربه می کنند. برای اولین بار، یک پراید بین المللی مجازی برگزار می شود و شش رنگ هم در آن پیام همبستگی ارسال می کند. پس از آن، شش رنگ، **اولین پراید آنلاین ایرانیان** را برگزار می کند. دهها نفر از اعضای جامعه ال جی بی تی ایران، هنرمندان و شخصیت های فعال حوزه های گوناگون پیام های تصویری شان را برای این پراید مجازی ارسال می کنند تا در حین مراسم پخش شود. بیش از ۳۰۰۰۰ بازدید کننده همزمان از این برنامه در شبکه های اجتماعی ما موجی از امید، شور و همبستگی را باعث می شود.

## نوک کوه یخ

و این، تنها بخشی از تاریخ ده ساله شش رنگ بود. بخشی بسیار بزرگ از آن به دلیل جرم انگاری فعالیت های مرتبط با همجنسگرایی و حضور جامعه ال جی بی تی در ایران، ناگزیر ناگفته باقی می ماند برای روزها و سالهای دیگر و بهاری که در راه است. آن بخش از این تاریخ را که مربوط به **حملات و تخریب های اینترنتی** که از سال ۲۰۱۵ شروع شد و همینطور موج بازداشت های فعالان جامعه اقلیت های جنسی و جنسیتی را که در سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ به اوج خود رسید و مبارزه برای بقا و به حداقل رساندن لطمات وارده نیز فصل دیگری از این تاریخ است که ما با غرور و پیروزی از سر گذرانده ایم و مرورش می ماند برای وقتی دیگر.

## امید به آینده و تلاش برای تحقق ارزوهایمان

در رویکرد آینده، فعالیت های شش رنگ همچنان بر ایجاد تغییرات

فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جامعه ایران متمرکز خواهد بود و بر ضرورت دخالت در جنبش های اعتراضی موجود که بیش از همه جامعه ما را متاثر خواهد کرد، تاکید خواهیم کرد. شش رنگ همچنان به عنوان یک تشکل سازمانده جنبش ال جی بی تی ایران بر گفتمان سازی مترقی و حقوق بشری در سطح جامعه ایرانی و همچنین فشار بر جمهوری اسلامی برای تغییر رفتار خود در این مورد از طریق مکانیسم های بین المللی چون گزارشگران ویژه، نهادهای سازمان ملل و کارشناس ویژه مقابله با تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی. همه این فعالیت ها نیازمند تلاشی گسترده و شبانه روزی و ارتباط مستقیم با فعالین و همه کسانی است که از شرایط موجود در ایران رنج می برند. ما امیدواریم باز هم بیش از قبل بتوانیم توجه رسانه ها را به طرح این موضوعات جلب کنیم و سهم بیشتری را در رسانه های جریان اصلی در خارج از کشور از آن جامعه اقلیت های جنسی و جنسیتی و در خدمت طرح مطالباتشان کنیم. امیدواریم چهره های علنی هر چه بیشتری را در آینده شاهد باشیم که با آگاهی و هوشمندی به بحث و گشایش معضلات مرتبط با تبعیض بر پایه گرایش و هویت افراد می پردازند.

ما در بیش از ۲۵ سال فعالیت علنی در خارج از ایران، موفقیت های بسیاری کسب کرده ایم. اما هنوز تا مشاهده پذیری مطلوب راه طولانی ای در پیش داریم.



# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم  
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر  
ایران / محمود امیری مقدم  
سر دبیر این شماره: مریم غفوری  
تماس با مجله: mail@iranhr.net

